
مروری بر سینمای جنگ

مصطفی محمودی



کارگردانان جنگ به تعداد انگشتان دو دست طی این مدت با نگاهی به کارنامه آثار تولید شده در زمینه جنگ می توان دریافت که تعداد فیلم سازی که بیش از یک فیلم در این بخش ساخته اند، از تعداد انگشتان دو دست فراتر نمی رود. البته کارگردانانی که به سراغ سینمای جنگ رفتند (از ابتدا تا کنون) به دو دسته تقسیم می شوند:

طرح موضوعات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، عاطفی و حتی عشقی (!) پردازند.
گروه اول در همان فیلم های اول یا دوم

دسته اول: کارگردان هایی که برای جنگ و با موضوع جنگ، فیلم ساختند و دسته دوم آن هایی که جنگ را بهانه ای قرار دادند تا به واسطه آن به

متوقف شدند و دیگر فیلمی در این زمینه نساختند و اگر هم کارگردانی، فیلمی را بر عهده داشته، فیلم مذکور، جنگی نبود. گروه دوم نیز یک یا دو بار به این کار مبادرت ورزیدند و زمانی که دریافتند طرح موضوعات مورد علاقه آنان در قالب جنگ، چه از نظر تکنیکی و چه از نظر مخاطب با ضعف مواجه است، دور سینمای جنگ را خط کشیدند. اما چرا گروه اول که دغدغه جنگ داشتند، دیگر این مسأله را دنبال نکردند، بحثی است که در قسمت‌های بعد به آن خواهیم پرداخت.

در کنار این دو گروه، گروه دیگری هم وجود داشته و دارد که به مسأله جنگ از دیدگاه سینمایی، بسیار خوب و مطلوب پرداختند و شاید به جرأت بتوان گفت که تنها فیلم‌هایی که این تعداد از فیلم‌سازان سینمای ایران درباره جنگ به تصویر کشیدند، قابل بحث و بررسی است. البته ساخت بیش از دو فیلم پیرامون جنگ و دفاع مقدس توسط این گروه خاص، توانایی آنان را در قبال طرح موضوعات جنگ و حواشی آن به وسیله دوربین سینما به اثبات می‌رساند ضمن این‌که استقبال تماشاگران عام و خاص نیز شاید

عامل دیگری جهت ساخت فیلم‌های بیش‌تری در این زمینه توسط فیلم‌سازان مذکور باشد.

عدم شناخت از فضای جبهه‌ها

اما مشکلی که فیلم‌سازان گروه اول و دوم در ساخت فیلم‌های جنگ با آن مواجه شدند، عدم شناخت صحیح و دقیق آنان از فضای جبهه و جنگ بود. در فهرست فیلم‌های ساخته شده سینمای ایران در زمینه جنگ به کارگردانانی برخورد می‌کنیم که جنگ را فقط در لابه‌لای صفحات مجلات و روزنامه‌ها و یا بر صفحه تلویزیون می‌دیدند و می‌شناختند و نتیجه آن نیز جز یک فیلم به اصطلاح «تیر و تخته‌ای» چیز دیگری نبود. با نگاهی به فیلم‌هایی که این دسته از کارگردانان ساختند، در می‌یابیم که این عدم شناخت، نه تنها بر تکنیک فیلم تأثیر گذاشت، بلکه اثرات منفی و زیان‌بار دیگری را با خود به همراه داشت؛ در این فیلم‌ها افراد دشمن همگی خرفت، احمق و دست و پا چلفتی به تصویر کشیده می‌شدند که حتی قادر نبودند یک نقشه ساده جنگی طرح‌ریزی کنند. آن‌ها افرادی کم‌حواس و نادان فرض می‌شدند که اگر هم حتی چند

تن از سربازان ایرانی را با قساوت کامل به شهادت می‌رساندند، اما در پایان دچار تیر خشم سربازان ایران می‌شدند. در حالی که می‌دانیم این گونه نبود و دشمن، علاوه بر ذکاوت و هوش و تیزبینی تا بن دندان مسلح بوده؛ ضمن این‌که از حمایت‌های دولت‌های اروپایی و آمریکا برخوردار بود و شکست‌هایی که در جنگ برای آن‌ها رقم می‌خورد، اتفاقاً به تنها عاملی که مربوط نمی‌شد، نادانی و حماقت‌شان بود، ولی متأسفانه در این بخش، فیلم‌سازان دسته اول و دوم ما، راه را به خطا رفتند.

قهرمان‌سازی فیلم‌های جنگ

قهرمان‌سازی در سینمای جنگ ما، راه را به خطا رفت. قهرمانان تصویر شده در فیلم‌های جنگی ایرانی دو گروه ذکر شده بیشتر یا آرنولد (!) بودند و یا رمبو (!) البته این مسأله یک روی سکه بود و در طرف دیگر سکه، قهرمانانی را بر روی پرده مشاهده می‌کردیم که بسیار عابد و پارسا بودند و در عین حال نیز مظلوم. از پیش مشخص بود که این قهرمانان باید شهید شوند تا رمبوها و آرنولدها قاتلین را به سزای اعمالشان برسانند و

انتقام خون رفقایشان را بگیرند. این نکته دیگر لازم به اشاره نیست که در این‌گونه فیلم‌ها، آرنولدهای ما تفنگ‌هایی داشتند که از اول فیلم تا آخر فیلم از آن گلوله شلیک می‌شد، بدون آن‌که خشابی خالی و پرشود. رمبوهای ما با یک کلاشینکف، می‌توانستند یک گروهان ۱۰۰ نفری را به خاک و خون بکشند. البته این اواخر هم استفاده از تیر و کمان‌های انفجاری و ... در حال رواج یافتن بود که خوشبختانه به خیر گذشت.

نکته مهم دیگر کلیشه شدن بازیگرانی محدود و ثابت در نقش‌هایی همیشگی بود. طی سالیان سال، در اکثر فیلم‌های جنگی فقط و فقط چند چهره شاخص سینمای ایران، ایفای نقش‌های اصلی را بر عهده داشتند و بقیه نیز همواره در حاشیه بودند.

جلوه‌های ویژه صوتی و تصویری

جلوه‌های ویژه صوتی و تصویری نیز در سینمای جنگ، جای خاص خود را داشت. کمبود امکانات، عاملی شده بود که اکثر جلوه‌های ویژه تصویری، بسیار خنده‌دار به نظر برسند و به جای تأثیرگذاری و ایجاد حس تعلیق نزد تماشاگر،

خنده تمسخر بر لبان بیننده جاری سازند؛ از تانک‌ها و هلی‌کوپترها و هواپیماها و بمباران‌ها گرفته تا آدمک‌هایی که در دره‌ها سقوط می‌کردند، همگی نشان دهندهٔ بضاعت‌های جلوه‌های ویژه تصویری سینمای ایران بودند. جلوه‌های ویژه صوتی نیز چنین مشکلاتی را داشت، اما با این تفاوت که تماشاگر چون این بخش را نمی‌دید طبعاً اشکالات نیز زیاد به چشم نمی‌آمد.

از مسایل چاشنی‌های انفجاری و استفاده از گلوله‌های واقعی در برخی فیلم‌های جنگی ایرانی نیز ذکری به میان نمی‌آورم، به دو علت: اول این‌که این طریق استفاده در هیچ جای دنیا کاربرد ندارد و فقط در ایران است که در فیلم‌ها باید از گلوله‌های حقیقی استفاده کنیم. دوم این‌که نگاهی به آمار کشته‌شدگان و مجروحان پشت و جلوی دوربین فیلم‌های جنگی، حقیقت مطلب را به خودی خود نمایان می‌سازد.

حمایت‌های نظارتی و دخالتی!

یکی دیگر از مشکلاتی که همواره گریبان‌گیر فیلم‌سازان جنگ بود، بحث تخصیص امکانات

است. بطور طبیعی ساخت یک فیلم با مضمون جنگی، بودجه و امکاناتی بیش از یک فیلم معمولی می‌خواهد، اما متأسفانه فیلم‌سازان ما همواره از کمبود بودجه نالیده‌اند و داد و فغانشان به آسمان رفته است. در کنار این مسأله، بحث بوروکراسی اداری نیز دردی بوده که بر سایر دردهای این بخش افزوده شده است؛ هر نهاد نظامی و انتظامی و هر سازمان و ارگانی، در نظر داشته تا حداقل امکاناتی را در اختیار اکیپ سازندهٔ یک فیلم جنگی قرار دهد، همواره در وهلهٔ اول، فیلم‌نامه را مطالبه کرده و پس از آن نیز برای در اختیار گذاشتن امکانات خود شرط و شروط فراوانی قایل شده است و حتی درخواست حذف یا اضافه نمودن بخش‌هایی را از فیلم‌نامه داشته است! و این گردونه هم‌چنان چرخیده و چرخیده بدون آن که برای مدت محدودی متوقف شود و یا در نوع چرخش آن تغییرات مثبتی، صورت گیرد.

مضمون و محتوا در فیلم‌های جنگی

یکی دیگر از اشکالاتی که ضربهٔ فراوانی به سینمای جنگ ما وارد آورد، مضمون و محتوای

فیلم‌های جنگی بوده است. همواره در فیلم‌های ساخته شده، قرار بر این بوده که عملیات مهمی انجام شود و مکانی به تصرف رزمندگان مادر آید. این مضمون و خط‌کلی به وفور در این دسته از فیلم‌ها تکرار شده، متأسفانه باید اذعان داشت که هیچ تلاشی برای نشان دادن زوایای پنهان و نیمه پنهان دفاع مقدس در سینما انجام نشد. (به جز مواردی خاص) و در سایر موارد، تماشاگران سینمای ایران بارها و بارها طی سالیان متمادی همین موضوع خاص را می‌دیدند و بس!

سینماگران خاص جنگ

در میان کارگردانان سینمای جنگ به گروه سومی نیز اشاره کردم که سینمای جنگ را با دیدگاه خاص خود به تصویر می‌کشیدند. این افراد که اکثریت قریب به اتفاق‌شان سال‌ها در جبهه‌های جنگ حضور فعالی داشتند توانستند با نگاهی تازه به جنگ در فیلم‌هایشان و برجسته ساختن بعضی نقاط نیمه پنهان و از نظر دور مانده جنگ و آدم‌های پیرامون آن، فیلم‌های در خور توجهی بسازند.

نگارنده معتقد است که اگر سینمای دفاع

مقدس تاکنون ارزش و اعتباری کسب کرده و به جایگاهی (هر چند محدود) دست یافته است و موفق شده که هم‌چنان به حیات خود ادامه دهد، به واسطه حضور هنرمندانی هم‌چون، ابراهیم حاتمی‌کیا، رسول ملاقلی‌پور، کمال تبریزی، جمال شورجه، احمد رضا درویش، عبدالحسین برزیده، عزیزالله حمیدنژاد و شهریار بحرانی است. اگر این افراد در سینمای جنگ، حضور فعالی نمی‌داشتند، و با دیدگاه خاص خود، جنگ و آدم‌های آن را به تصویر نمی‌کشیدند، اکنون وضع به گونه دیگری بود.

از سینمای جنگ چه می‌خواهیم؟

در پایان این بحث لازم است اشاره کنم که در مجموع، سینمای ایران نتوانسته آن‌گونه که باید و شاید به طرح مسایل و موضوعات جنگ تحمیلی بپردازد و سینمای جنگ نیز همان‌طور که پیش‌تر ذکر کردم به جایگاه و اعتبار در خور خودش دست نیافته است و معتقدم که از کارگردان تا نویسنده فیلم‌نامه، حتی افراد پشت صحنه و در رأس آن‌ها سیاست‌گذاران سینمای کشور در این ناکامی سهیم‌اند.

عدم نظارت دقیق، نبود سیاست‌های مشخص، عدم تخصیص بودجه و امکانات لازم، نگاه گیشه‌ای به سینمای جنگ، عدم وجود تحقیقات علمی - پژوهشی در خصوص این سینما، عدم مقایسه فیلم‌های جنگی ایرانی با فیلم‌های جنگی ساخت کشورهای دیگر، شریک نمودن احساسات و عواطف خاص ایرانی در ساخت فیلم‌های جنگی، عدم برپایی جشنواره‌های بی. بن‌المللی با نام جشنواره سینمای جنگ؛ پرداختن به مسأله جبهه و جنگ فقط در هفته دفاع مقدس و ده‌ها مشکل و کمبود و نارسایی دیگر، مجموعه عواملی را تشکیل می‌دهند که سبب شد سینمای جنگ پس از گذشت ۲۰ سال به جایگاه در خور استحقاقش نرسد، ولی هنوز هم دیر نشده و زمینه‌های لازم فراهم است. فقط می‌ماند اندکی همت و گذشت از طرف سیاست‌گذاران، دست اندرکاران، مسؤولان و هنرمندان این عرصه که دست در دست هم، سینمای جنگ را به اوج قله رفیع و پرافتخار سینمای ایران برسانند. ■